

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صفحات ۹۱-۱۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۰۴

بررسی احساس امنیت در بین اقشار آسیب‌پذیر جامعه (مورد مطالعه: شهروندان اصفهانی)

زهرا طاهری^۱

رسول ربانی^۲

چکیده

احساس امنیت ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد و از شرایط و اوضاع محیط پیرامون است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. «دیدگاه آسیب‌پذیری» دیدگاهی است که عمدتاً احساس امنیت را درباره متغیرهای اجتماعی و شخصی همچون جنسیت، سن و طبقه اجتماعی - اقتصادی مورد توجه قرار داده است. این پژوهش نیز با هدف شناخت و بررسی و احساس امنیت در بین اقشار آسیب‌پذیر جامعه، با تأکید بر دیدگاه آسیب‌پذیری به صورت پیمایشی، در بین ۳۸۴ نفر از شهروندان شهر اصفهان، در سال ۱۳۸۸ صورت گرفته است. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای است که در ۳ منطقه اصفهان (۵، ۱۴، ۱۰) انجام پذیرفته است، برای آزمون فرضیات و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و از روش‌های تحلیل آماری T-test، واریانس یکطرفه Anova استفاده شده است.

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش بدین قرار است: میانگین احساس امنیت زنان نسبت به مردان بیشتر است. میانگین احساس امنیت گروه‌های سالخورده کمتر از دیگر گروه‌های سنی است. افراد واقع در طبقه پایین اجتماع احساس امنیت کمتری نسبت به دیگر طبقات جامعه دارند. میانگین احساس امنیت ساکنان مناطق پایین شهر کمتر از دیگر مناطق شهر (بالا و متوسط) است.

واژگان کلیدی: امنیت، احساس امنیت، احساس ناامنی، دیدگاه آسیب‌پذیری.

Email: ztaheri2007@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

۲- استاد تمام و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

مقدمه و طرح مسأله

احساس امنیت یکی از نیازهای فطری انسان بوده و آمیخته ذات اوست و همواره مورد توجه متفکرین رشته‌های مختلف از جمله فلسفه، روانشناسی، جامعه‌شناسی و... بوده است. می‌توان گفت قدمت شناخت این علم به پهنای علم بشر بوده و هر اجتماعی از انسان‌ها به تناسب نیازها و تحولات جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند از آن بهره می‌برد (ربانی، ۱۳۸۵: ۲۱۱).

احساس امنیت پدیده روانشناختی- اجتماعی و دارای ابعاد گوناگون است. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد و از شرایط و اوضاع محیط پیرامون است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. احساس آزادی نسبی از وضع خوشایندی را در افراد ایجاد می‌کند که فرد در آن دارای آرامش روحی و جسمی می‌گردد (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۲: ۱۰). ناامنی حالتی تهدیدآمیز است که در معرض خطر بودن را القاء می‌کند. خطر یا همان عاملی که وجودش سلب‌کننده امنیت است هر عامل یا وضعی را در بر می‌گیرد که بر وجود و کمالات آن مخل باشد و نیازها، کمبودها، نقصان‌ها و اختلالات را افزایش دهد. ناامنی حالتی است همرا با خطر و خطر عاملی است در جهت برهم زدن تعادل حیاتی و روانی و اجتماعی شخص یا گروه یا جامعه، خطر عاملی است که دارایی انسان، گروه و جامعه را سلب و کمالات و توانایی‌های آن را نابود ساخته و یا حداقل کاهش می‌دهد (بیات، ۱۳۸۷: ۱۰).

احساس امنیت و احساس ناامنی^۲ (ترس از جرم^۱) هر دو؛ دو روی یک سکه هستند و هرگاه سخن از احساس امنیت می‌آید به مفهوم دیگر آن نیز اشاره می‌شود. کانکلین^۴ (۱۹۷۱) احساس ناامنی را به عنوان احساس امنیت شخصی در جامعه تعریف می‌کند و کوینگتون و تایلور (۱۹۹۱)^۵ به احساس ناامنی به عنوان پاسخ‌های احساسی به جرم

1-Security Feeling

2- Fear of Crimes

۳- به خاطر معادل بودن کلمه ترس از جرم با احساس ناامنی (در برگردان فارسی) هر کجا از واژه احساس ناامنی استفاده گردد همان واژه ترس از جرم است و یا بالعکس.

4- Conklin(1971)

5- Covington&Taylor (1991)

همراه با خشونت و آسیب فیزیکی اشاره می‌کند. گاروفالو (۱۹۸۱)^۱ ترس از جرم را این گونه تعریف کرد: «عکس‌العملی احساسی که با احساس خطر و نگرانی توصیف می‌شود...» (Ferraro & LaGrange, 1987).

بنابراین، احساس ناامنی به طور مفهومی به واکنش احساسی ایجاد شده به وسیله جرم یا نمادهای مربوط به آن اشاره دارد. به معنای دقیق کلمه این امر از قضاوت‌ها، ارزش‌ها یا اقدامات رفتارها مجزا است (Gabriel & Greve, 2003). بنابراین حالت احساس ناامنی چندبعدی است. بدین جهت احساس ناامنی متشکل است از: ۱) درک شناختی فرد از اینکه مورد تهدید واقع شود. ۲) تجربه تأثیرگذار هم‌تراز و ۳) انگیزه مناسب یا تمایل به اقدام. بنابراین، ترسیدن (بعد تأثیرگذار) به این اشاره دارد که یک موقعیت به عنوان موقعیتی خطرناک با انگیزه‌ای برای تغییرات (آشکار و پنهان) رفتار تلقی می‌شود. از این رو نیاز به طراحی ارزیابی‌های احساس ناامنی که این سه جزء را ارزیابی می‌کنند وجود دارد؛ به عنوان مثال از طریق پرسش از اینکه چگونه یک فرد ۱) احساس ترس می‌کند ۲) در مورد جرم نگران است یا در مورد آن فکر می‌کند و ۳) یا رفتارهایی حاکی از ترس دارد. احساس ناامنی ساختاری است که شامل انواع مختلف تهدیدات (همچون تهدیدات فیزیکی، آسیب روانشناسی، و از دست دادن دارایی‌ها) می‌شود (Ferraro & LaGrange, 1987).

فاکتورها و عوامل فردی هنگامی به فرضیه آسیب‌پذیری^۲ مربوط می‌شوند که به گونه‌ای آنها را تعبیر کنیم که باعث ایجاد احساس ناامنی شوند. در سال ۱۹۸۱، اسکوگان و مکس فیلد^۳ اهمیت مفهوم آسیب‌پذیری را در تحقیقی که از جرم به عمل آوردند، برجسته کردند. مدتی بعد از آن وار و استافورد (۱۹۸۳)^۴ نظریه احساس ناامنی را به عنوان ارتباطی میان حساسیت‌پذیری به خطر و جدیت رویدادها مورد آزمون قرار دادند. دلیل منطقی آنها این بود که احساس ناامنی بیشتر به جدیت رویدادهای موجود مربوط است، در غیر این صورت مردم بیشتر از جرم‌های جدی و بزرگ ترس و وحشت خواهند داشت. کیلیاس (۱۹۹۰)^۵ نظریه

1- Garofalo (1981)

2- Vulnerability hypothesis

3- Skogan & Maxfield

4- Warr & Stafford, 1983

5- Killias (1990)

آسیب‌پذیری را در تطابق با نظریه باندورا^۱ (در مورد فقدان کنترل قرار گرفتن در معرض خطر) و جدیت و اهمیت رویدادها، بیان کرده است. بنابراین (فرضیه آسیب‌پذیری) در برگیرنده خصوصیات و ویژگی‌های شخصی است که درباره درک مفهوم خطر جدیت رویدادها و حوادث و کمبود و فقدان کنترل شخصی است (McCrea & others, 2005: 9).

«دیدگاه آسیب‌پذیری» دیدگاهی است که توجه را به سمت متغیرهای علی، همچون جنسیت، سن و طبقه اجتماعی - اقتصادی جلب می‌کند. اگرچه آسیب‌پذیری مفهومی شخصی، اجتماعی و موقعیتی دارد، اما این چارچوب عمدتاً در مورد متغیرهای اجتماعی و شخصی همچون جنسیت، سن و طبقه اجتماعی - اقتصادی است (Gert, Nod: 3).

دیگر متغیرهایی که تصور می‌شود مشخص‌کننده آسیب‌پذیری اجتماعی باشد، شامل «وضعیت تأهل» یا «تنها یا با دیگران زندگی کردن»، «وابستگی مذهبی»، «شرایط زندگی یا خانه داشتن»، و «مدت اقامت»، می‌شود (Gert, Nod: 5). بسیاری دیگر از خصوصیات فردی دیگر می‌تواند با آسیب‌پذیری ارتباط داشته باشد. این خصوصیات شامل وزن، نقص عضو فیزیکی، شکل فیزیکی، اعتماد به نفس می‌شود. کیلیاس و مکریکی (۲۰۰۰) از آنها به عنوان معیارهای آسیب‌پذیری استفاده کرده‌اند. فاکتورها و عوامل مسکن مانند تنها زندگی کردن، اجاره کردن منزل و محل سکونت می‌تواند بر روی آسیب‌پذیری تأثیر گذارد (McCrea & others, 2005: 10-11). سطح تحصیلات بالاتر گاهی اوقات بدان جهت که در گرفتن پاسخ‌های مکفی در سؤالات مربوط به سطح درآمد در پژوهش‌ها دشواری وجود دارد، به عنوان نماینده طبقه اجتماعی به کار می‌رود^۲. به‌طور کلی افرادی که سطح تحصیلات پایین‌تری دارند (نماینده طبقه پایین‌تر) نسبت به افرادی که سطح تحصیلات بالاتری دارند، (نماینده طبقه بالاتر) از جرم و جنایت هراس بیشتری دارند (Adu-Mireku, 2002).

با توجه به این دیدگاه، افرادی که در معرض جرم قرار گرفتن خود را بالا برآورد می‌کنند و دفاع مؤثر، وسایل حفاظتی یا امکانات گریز ندارند و شدت تهدید را پیش‌بینی می‌کنند،

1- Bandura, 1986

2- Covington & Taylor, 1991

آسیب‌پذیر گفته می‌شود (Gert, Nod: 2). یا به عبارت دیگر، افرادی که برای محافظت از خود به جهت آنکه نمی‌تواند سریع بروند و یا به علت فقدان قدرت فیزیکی در دفع حملات مهاجمان احساس ناتوانی می‌کنند، یا به علت آنکه توانایی مالی برای حفاظت از خانه‌های خود را ندارند، و نیز به علت آنکه زمان طولانی‌تری از حد متعارف طول می‌کشد تا از صدمات و جراحات مادی و فیزیکی بهبود یابند، در نتیجه انتظار می‌رود بیش از دیگران دچار احساس ناامنی شوند» (Hale, 1996: 95).

دیدگاه آسیب‌پذیری که در این پژوهش به عنوان مبنای اصلی پژوهش حاضر مورد توجه است، از جمله دیدگاه‌هایی است که مبنای متمر ثمری را برای کاوش و بررسی تجربه‌های احساس ناامنی بین گروه‌های اجتماعی همچون افراد فقیر، زنان و افراد سالمند فراهم می‌آورد. این گروه‌ها به دلیل موقعیت اجتماعی و اقتصادی، اندازه یا سلامت ممکن است به عنوان آسیب‌پذیر تلقی گردند (Pantazis, 2000: 417). این پژوهش نیز با تأکید بر این دیدگاه، سعی دارد تا آن را در بین نمونه‌ای از شهروندان اصفهانی به بوته آزمون قرار دهد و امید آن است که نتایج آن در ارائه راهکار و پیشنهادها به حوزه مسئولان مربوطه مورد توجه قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

● علیخواه و نجیبی ربیعی در پژوهشی که با عنوان «زنان و احساس ناامنی در فضای شهری» در سال ۱۳۸۴ در شهر تهران به سفارش دفتر امور زنان وزارت کشور صورت داده‌اند، بدین نتیجه دست یافته‌اند که حدود ۴۸ درصد زنان در حد زیاد، ۳۳ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم در فضاهای شهری نسبت به تهدید جرائم دچار ترس و واهمه‌اند. به بیان دیگر حدود نیمی از زنان به هنگام تردد در شهر احساس امنیت ندارند. در بین زنان تحصیل کرده و دارای درآمد بالا و زنانی که در محله آنها ساختمان‌ها و زمین‌های متروکه کمتر بوده و نیز زنانی که از فعالیت‌های پلیس رضایت بیشتری داشته‌اند میزان احساس ناامنی کمتر بوده است.

همین‌طور نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در جامعه ایرانی نیز دختران و زنان جوان بیشتر از زنان سالمند دچار احساس ناامنی بوده‌اند و به علاوه نسبت به تعرض جنسی ترس بیشتری داشته‌اند. در این پژوهش تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی نیز با میزان احساس ناامنی رابطه معنی‌دار داشته است؛ درباره میزان احساس ناامنی و میزان رابطه با همسایگان رابطه معنی‌داری به دست نیامد، اما بین ارزیابی زنانی که گسترش جرائم در جامعه را در حد بالایی دانسته‌اند و میزان ترس آنان رابطه معنی‌دار وجود داشت. به علاوه اینکه در بین زنانی که قبلاً قربانی جرائمی شده و آسیب دیده‌اند میزان احساس ناامنی بسیار بالاتر از زنانی بوده است که فاقد تجربه آسیب‌دیده‌گی و مواجهه با مجرمان بوده‌اند. همین‌طور ویژگی‌های فیزیکی و طراحی شهری محل سکونت با احساس ناامنی معنی‌دار گردید. اما دو عامل پیگیری اخبار حوادث از اطرافیان و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دیگری وجود تنوع یا یکدستی قومی در محل سکونت پاسخ‌گو و رابطه آنها با میزان احساس ناامنی معنی‌دار نگردید (علیخواه و نجیبی ربیعی، ۱۳۸۵).

● مقاله ویل و مک‌گرا در آمریکا با عنوان «جرم و جنایت، طرز تلقی‌ها از محل زندگی و طبقات پایین (جامعه) و ارتباط بین احساس ناامنی و موقعیت طبقه (اجتماعی)» بیانگر آن است که زنان، افراد مسن و ساکنان داخل شهر میزان بیشتری از جرم را نسبت به مردان، افراد جوان و ساکنان مناطق غیرشهری ابراز کرده‌اند. افرادی که به عنوان افراد طبقه پایین، رده‌بندی می‌شوند- علی‌الخصوص، افرادی که زیر خط فقر قرار می‌گیرند، اقلیت‌ها و آنهایی که یک دوره بیکاری را تجربه کرده‌اند- بدون توجه به جنسیت، سن، بزرگی شهر و دیگر عوامل، احساس ناامنی بیشتری را نشان می‌دهند. و این به جهت نگرانی آنها از بابت کافی نبودن اقدامات انجام گرفته برای حمایت و محافظت از آنهاست (Will & McGrath, 1995).

● در مقاله‌ای با عنوان «میزان‌های متفاوت آسیب‌پذیری در روابط بین ابعاد متفاوت احساس ناامنی» که توسط مارتین کیلیاس و کریستین کلرسی در سال ۲۰۰۰ در آمریکا فراهم آمده، نشان داده شده است که احساس ناامنی در خیابان‌ها و هنگام شب زیاد به جهت‌گیری سیاسی، ایدئولوژیک، تحصیلات، SES (پایگاه اجتماعی- اقتصادی) یا دیگر متغیرهای اجتماعی - جمعیتی مربوط نمی‌شود. احساس ناامنی غالباً با آسیب‌پذیری فیزیکی، جنسیت و

سن و با ویژگی‌های محل زندگی که با خطرهای عینی همچون دیوار نوشته‌ها، افرادی که در اطراف پرسه می‌زنند و یا زباله‌های موجود در خیابان‌ها مرتبط است، افزایش می‌یابد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که آسیب‌پذیری در توضیح احساسات شخصی یکی از عوامل مهم احساس ناامنی است. جنسیت و نه سن، حتی پس از کنترل آسیب‌پذیری (یعنی عدم توانایی در مقابله با حملات فیزیکی) مهم و پراهمیت است. این امر منعکس‌کننده بی‌حفاظتی خاص زنان در مقابل حملات و آزار و اذیت‌های جنسی است. ویژگی‌های محل زندگی یعنی علائم فساد (دیوار نوشته‌ها و افراد غریبه ولگرد در محل) نیز مهم است. اما به میزان کمتری نسبت به آسیب‌پذیری شخصی. نگرانی‌ها در مورد احتمال سرقت و ایمنی افراد آسیب‌پذیر (یعنی سالمندان و زنان) احتمالاً مربوط به عواملی ماورای ویژگی‌های شخصی پاسخ‌دهندگان است (Killias & Clerici, 2000).

● پژوهشی توسط ساموئل آدومیرکو با عنوان «ترس از جنایت در بین ساکنان ۳ اجتماع در آکرا، غنا» انجام گرفته است. در این پژوهش جنسیت عامل تعیین‌کننده بسیار نیرومند ترس از جنایت در آکرا، غناست، و این امر با یافته‌های مکرر دیگر مطالعات که به ثابت می‌کند زنان بیشتر از مردان از جنایت می‌ترسند، مطابقت یافت که این امر به جهت آسیب‌پذیری شخصی زنان در بیشتر جوامع است. رابطه منفی بین سن و ترس با مطالعاتی که در ساختار اجتماعی غنا انجام گرفت هماهنگی دارد. برخلاف ایالات متحده و دیگر جوامع صنعتی غربی، اکثریت خانوارهای غنایی چند نسلی هستند و مردم در خانواده و خانه‌های مشترک زندگی می‌کنند. بنابراین افراد مسن در این خانوارهای گسترده در مقایسه با جوامع غربی، که اغلب افراد پیر به تنهایی زندگی می‌کنند، احساس تنهایی نمی‌کنند. بحث آسیب‌پذیری اغلب برای توضیح رابطه مثبت بین سن و ترس است و بنابراین در جامعه غنا حفظ نگردید.

یافته مهم دیگر تأثیر تحصیلات بر ترس از جرم است. اگر تحصیلات به عنوان نماینده طبقه اجتماعی باشد، نتایج به روشنی مشخص ساخت که بین ساکنان طوایف بدون تحصیلات، که افراد طبقه پایین را شکل می‌دهد، احساس ناامنی بالاست (Adu-Mireku, 2002).

● در تحقیق دیگر که در ایتالیا توسط رناتو میسلی و همکارانش در سال (۲۰۰۴) با عنوان «احساس ناامنی و جنایت در ایتالیا، میزان انتشار و عوامل تعیین‌کننده» صورت گرفته، نشان داده است که عوامل غیراجتماعی- جمعیتی، تأثیر شدیدتری بر احتمال ترس از جنایت دارد. تنها مورد قابل توجه، سطح تحصیلات و بالاتر از همه، ارزیابی شخصی از وضعیت اقتصادی خانواده است. هم‌چنان که مراتب تحصیلی رسمی مصاحبه‌شونده بالا می‌رود، در احتمال احساس ناامنی و جنایت افزایش اندکی دیده می‌شود. شرایط اقتصادی مطلوب یک خانواده تأثیر مربوط اما معکوس دارد. در خانواده‌های فقیر احتمال ترس از جنایت بیشتر از خانواده‌های ثروتمند است. این امر نشان‌دهنده اهمیت توانایی‌های مقابله عینی هنگام رویارویی با احساس ناامنی و جنایت است. عدم وجود تأثیر جنسیتی بر ترس از جنایت نیز جالب توجه است؛ چرا که این نتیجه متضاد با تحقیقات قبلی انجام گرفته در دیگر کشورهاست. ترس از جنایت به طور مستقیم تحت تأثیر متغیرهای محلی و منطقه‌ای است. در بین آنها سکونت در مناطق شهری از همه مهم‌تر است که با طرز تلقی از زندگی در منطقه فرودست دنبال می‌شود. همانند بیشتر منابعی که در مورد ترس (از جنایت) است (Miceli, Renato & Rosato, 2004).

چارچوب نظری پژوهش

طبق تحقیقات مختلف، احساس ناامنی در همه گروه‌های جنسی، سنی، قومی، مذهبی و شغلی به یک اندازه نیست (علیخواه و ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۱۰). کیلیاس (۱۹۹۰)، سه عامل کلیدی برای توضیح پیدای شدن احساس ناامنی مشخص می‌کند. (در معرض خطر غیرقابل اغماض، فقدان کنترل و مراقبت، یعنی عدم وجود دفاع مناسب و کار، وسایل حفاظتی و یا امکانات فرار و پیش‌بینی نتایج سخت و شدید) و آنها را درون یک چارچوب تحلیلی یکپارچه می‌گرداند و ابعاد وضعیتی، اجتماعی و فیزیکی را نیز به حساب می‌آورد. ۳ عامل همگی الزامی هستند، اما آنها به طور جداگانه شرایط کافی برای ایجاد احساس ناامنی نیستند. کیلیاس از این مدل برای توضیح میزان ترسی، که بین خانم‌ها و افرادی که شغل‌های پرخطر دارند، و نیز بین ساکنان مناطق جرم‌خیز (یا منطقه‌ای که دارای علائم خشونت و بی‌تمدنی یا اغتشاش) وجود دارد و به میزان نامتناسبی بالاست، بهره می‌جوید (Pantazis,

(415: 2000). در این قسمت از مقاله به نظریه‌هایی پرداخته می‌شود که گروه‌هایی را که بیشتر در معرض خطر و احساس ناامنی هستند، به ما معرفی می‌کند.

تحت عنوان آسیب‌پذیری، «جنسیت» بهترین پیش‌بینی‌کننده احساس ناامنی است، این رابطه در مطالعات مختلف ثابت بوده، و زنان نسبت به مردان، سطوح بالاتری از ترس را گزارش نموده‌اند. اگر چه در تعداد کمی نیز هیچ رابطه بارزی یافت نشد. تحقیقات زیادی به این سوال اختصاص یافته است که چرا زنان علی‌رغم خطر کمتر قربانی جرم شدن بیشتر احساس ناامنی می‌کنند؟ این نظر برچسب متناقض‌نما بودن بر احساس ناامنی زده است. برای مثال، هرچند در زنان احتمال آمدن بیرون از خانه در نیمه‌شب و پیاده‌روی در خیابان‌ها کمتر است ولیکن احساس آسیب‌پذیری بیشتری می‌کنند.

برخی از نویسندگان استدلال کرده‌اند که خطرات قربانی شدن رسمی^۱، پیشداوری‌های تخمین‌زنندگان خطرهای قربانی شدن واقعی^۲ است، چرا که آنها میزان در معرض بودن را به حساب نمی‌آورند. هنگامی که این خطرات قربانی شدن «رسمی» به طور صعودی در مورد تفاوت‌های در معرض بودن تنظیم و تعدیل می‌شوند، واکنش‌های هراس آلود نسبت به جرم، پاسخ‌های منطقی هستند که منعکس‌کننده خطرهای قربانی شدن تعدیل شده واقعی است. احساس ناامنی زنان ابتدا بیشتر برای ترس از تجاوز جنسی است، و دوم جرمی است که مکرراً در مورد زنان رخ می‌دهد، و از طریق پیامدهای وخیم و مهمی که دربردارد و عدم وجود کنترل بر جرم و نتایج آن توصیف می‌شود (4: Gert, Nod). همچنین به دلیل رویدادهای جدی و مهم و مانند مورد تجاوز واقع شدن و کنترل کم آنها از لحاظ فیزیکی ضعیف تر بودن است. و دیگر شجاعت و بی‌پروایی مردان باعث شده است که کمتر احساس ناامنی کنند. هر چند شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد زنان بیشتر احساس آسیب‌پذیری می‌کنند، زیرا خطر مورد حمله جنسی واقع شدن، باعث افزایش ترس آنها می‌شود (10-11: McCrea & others, 2005).

1- Official

2- Real

استانکو^۱ معتقد است که «احساس ناامنی به طور ثابت در زنان سه برابر مردان است. دلایل این امر عبارتند از:

- (الف) زنان به لحاظ جسمانی توان کمتری در دفاع از خود دارند.
- (ب) در زنان گرایش فزاینده‌ای برای به یادآوردن تجارب اولیه زندگی و تسری ترسشان به سایر موقعیت‌های زندگی وجود دارد.
- (ج) نگهداری و حفاظت از کودکان، زنان را بیشتر مستعد احساس ناامنی می‌سازد.
- (د) زنان کنترل کمتری بر حیطه خصوصی‌شان دارند؛ از این رو بیشتر می‌ترسند.
- (ه) زنان نسبت به سایر انواع آسیب‌ها بیشتر در معرض تعرض جنسی قرار دارند از این رو به خطرهایی که با آن مواجه می‌شوند عکس العمل واقع‌گرایانه‌ای نشان می‌دهند.
- (و) سطح ترس زنان معقول است ولی مردان تمایل دارند ترس‌های خود را طبیعی جلوه دهند (Stanko, 1992: 127).

فرارو^۲ معتقد بود که: «نمی‌توان ادعا کرد که احساس ناامنی در بین زنان بیشتر متعلق به جوانان است. این پدیده هم در جوانان و هم در پیران وجود دارد». آنچه که در این دو گروه متفاوت است، دلایلی است که برای ترس از جرایم ابراز می‌دارند. فرارو معتقد است: «احساس ناامنی و ترس در زنان جوان بیشتر تحت تأثیر ترس از تعرض جنسی است» (Ferraro, 1996: 669). وار^۳ نیز معتقد بود که: «زنان زیر ۳۵ سال عمدتاً نگران تجاوز جنسی هستند ولی وقتی که پا به سن بالاتر می‌گذارند این ترس در آنها از بین نمی‌رود و به شکل جدید، دوباره ظهور می‌کند. از نظر وار در زنان پیر احساس ناامنی ناشی از آسیب‌پذیری فزاینده آنان است (Warr, 1984: 695). در این خصوص برانگارت^۴ نیز عقیده دارد که ترس از خطر آزار و اذیت به طور خاص در بین آن بخش‌هایی از جمعیت بیشتر است که آسیب‌پذیرتر و منزوی‌تر هستند؛ بویژه پیرزن‌ها در این بخش قرار دارند»

1- E. Stanko

2- K. Ferraro

3- M. Warr

4- R.g. Braungart

(Braungart, 1980: 231). برخی از صاحب‌نظران جرم‌شناسی، در بررسی‌های خود بر «پایگاه اقتصادی- اجتماعی» تأکید ورزیده‌اند. کین در آثار خود نشان داده است، زنانی که منزلت اقتصادی- اجتماعی پایینی دارند از این که به تنهایی در خارج از خانه قدم بزنند و یا شبی در خانه تنها باشند بشدت ترس و وا همه داشته‌اند. او همچنین نشان داد که این چنین ترسی در زنان مجرد بیشتر از زنان متأهل است (علیخواه و ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۱۳). پانتازیس^۱ معتقد بود مشکل زنانی که در فقر به سر می‌برند فقط فشار مالی نیست. برای مثال زنانی که درآمد اندکی دارند بیشتر مجبورند که در تاریکی شب در ایستگاه‌های مترو یا اتوبوس منتظر بمانند و با این که پول کافی جهت خرید ابزارهای ایمنی حفاظت از خانه خود را ندارند، به همین دلیل ترس از جرایم در آنان بیشتر خواهد بود» (Pantazis, 2000: 418).

سن نیز به عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده احساس ناامنی است و به فرضیه آسیب‌پذیری مربوط است (Hale, 1996). مطالعاتی نشان‌دهنده آن است که افراد مسن‌تر عموماً بیشتر احساس ناامنی دارند. وار استدلال کرده است که «علی‌رغم اینکه افراد مسن کم‌تر در معرض (خطر) هستند، میزان ترس بیشتر گزارش شده توسط افراد سالمند ناشی از حساسیت‌های متفاوت و خاص آنها نسبت به ریسک است». دیگر مطالعات مشخص ساخت که ترس و هراس بین سالمندان همیشه به نگرانی از قربانی شدن تعبیر نمی‌شود. به عنوان مثال، مطالعاتی شامل پژوهش‌های گذشته^۲ BCS، نشان می‌دهد، اگر چه افراد سالمند در محل زندگی خود پس از تاریکی احساس ناامنی بیشتری می‌کنند اما کمتر نگران سرقت و کتک خوردن و ضرب و شتم نسبت به افراد جوان هستند. یکی از مطالعات مشخص ساخت که میزان احساس ناامنی بین افراد سالمند مشروط به میزان محرومیت آنها است، طبق نتیجه به دست آمده افراد سالمندی که در محیط‌های با محرومیت‌های چندگانه زندگی می‌کنند، در مقایسه با افراد مسنی که محرومیت‌های کمتری دارند ۷ برابر بیشتر احتمال دارد احساس ناامنی کنند، (pantazis & Gorden, 1997).

1- Pantazis, Christina, 2000

2- British Crime Survey

همانند زنان، انسان‌های پیر و کهنسال نیز، احتمال کمتری دارد که در معرض آزار و اذیت قرار بگیرند اما «آن‌ها نیز از جرم و جنایت می‌ترسند که این عامل می‌تواند ناشی از وقوع رویدادهای جدی در جامعه و نداشتن کنترل بر روی جامعه باشد. میزان پایین بودن قربانی شدن و تحت ظلم واقع شدن افراد کهنسال (و زنان) می‌تواند به عنوان نتیجه‌ای از احساس ناامنی باشد، به طوری که بسیاری از افراد آسیب‌پذیر احتیاط‌های لازم را جهت مقابله با این که تحت ظلم واقع شوند انجام می‌دهند (Hale, 1996).

بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که ترس از جرم در بین سالمندان مسأله‌ای بس مهم است. اکثر این مطالعات نیز حاکی از آن است که احساس ناامنی پیامدهای وخیم روانی، جسمی و مالی برای سالمندان در پی دارد. در سال ۱۹۹۱ در آمریکا داده‌ها نشان دادند که گروه‌های خاصی از سالمندان نسبت بالاتری از قربانی شدن را تجربه کردند و مردان سالمند نسبت به زنان سالمند بیشتر قربانی شدن را تجربه نمودند، اما احتمال بیشتری برای قربانی دزدی‌های شخصی همراه با تماس، همچون کیف‌زنی برای زنان سالمند وجود داشت. جدا شده‌ها و مطلقه‌ها نسبت به گروه متأهلان بیشتر قربانی انواع جرائم شده بودند. سالمندان ساکن در شهرها در مقایسه با سالمندان مناطق حومه یا روستایی، میزان بالاتری از قربانی جنایت شدن را دارا بودند. سیاه‌پوستان بیش از سفیدپوستان احتمال قربانی شدن برایشان می‌رفت. در کل، پژوهش‌ها نشان می‌دهد، که مردان سالمند، اقلیت‌ها، افراد شهری و مجردها نسبت به افراد قرینه خود بیشتر قربانی جرایم می‌شوند (Joseph, 1997: 669).

علی‌رغم نرخ پایین قربانی شدن، سالمندان به علت آسیب‌پذیری بیشتری احساس ناامنی را دارند. تحقیقات نشان داده است سالمندان بیشترین احساس ناامنی را از بین همه گروه‌های سنی ابراز می‌کنند. بنابراین رابطه بین سن، قربانی شدن و احساس ناامنی متناقض‌نماست؛ چرا که میزان بالای احساس ناامنی در بین سالمندان نسبت به احتمال خطر قربانی شدن آنها نامتناسب است. چه چیزی دلیل این وضعیت متناقض‌نما از کمترین نرخ قربانی شدن و بیشترین احساس ناامنی بین سالمندان است؟ گوتفردسون، هیندلانگ، فلدمن، یاف، ناهمو، فاولتن، ۱۹۷۸؛ و گارافالو (۱۹۷۸)^۱ استدلال می‌کنند که سبک زندگی

1- Gottfredson, Hinde lang Feldman, Yaffe, Nahemow, Fawton, 1978; Garafalo, 1978

عاملی مهم در قربانی شدن است. افراد خاصی برای قربانی شدن آسیب‌پذیرترند و این به علت سبک زندگی آنهاست. اکثر جرائم شخصی در ملأعام اتفاق می‌افتد (خیابان‌ها، پارک‌ها)؛ از این رو افرادی که مکرر در این مکان‌ها تردد می‌کنند برای قربانی شدن آسیب‌پذیرترند. از آنجا که سالمندان نسبت به افراد جوان کمتر به چنین مکان‌هایی می‌روند، کمتر در معرض خطر قربانی شدن هستند. به علاوه، این واقعیت که سالمندان نسبت به افراد جوان اغلب در خانه هستند، خطر قربانی خانگی شدن را کاهش می‌دهد؛ چرا که حضور در خانه سارقان را از دستبرد باز می‌دارد. بسیاری از سالمندان تنها در خانه زندگی می‌کنند یا اغلب پس از تاریکی در خانه می‌مانند. بنابراین، سالمندان آن سبک زندگی را ندارند که آنها را در معرض خطر قربانی شدن شخصی و خانگی قرار دهد، آن‌گونه که جوانان را در معرض خطر قرار می‌دهد (Joseph, 1997:700). اما شاید بتوان دلیل آسیب‌پذیری افراد مسن را در درک آنها از قربانی شدن دانست نه در اینکه آنها واقعاً قربانی جرم می‌شوند.

عضویت افراد در قشرها و طبقات اجتماعی مختلف، باعث رشد بعضی از الگوهای رفتاری می‌شود. عوامل تشکیل‌دهنده طبقه اجتماعی خود، در تعیین پایگاه اجتماعی فرد، نقشی که ایفا می‌کند، وظایفی که برعهده دارد و امتیازاتی که از آن برخوردار است، مؤثر است. این عوامل، در برداشت فرد از خود و از اعضای طبقات اجتماعی دیگر و نحوه تعامل با آنها تأثیر می‌گذارد. در این میان نقش طبقه و پایگاه اجتماعی افراد در تأثیرگذاری احساس امنیت یکی از موضوعات مهمی است که اندیشمندان مختلف در مورد آن بحث کرده‌اند (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۹۲).

آسان‌ترین و مهم‌ترین بحث‌ها از طبقه پایین در شرح و توصیف آنها به عنوان افراد بسیار فقیر مانند بی‌خانمانان‌های جامعه تمرکز می‌یابد. با این تعریف، طبقه پایین آن دسته از اعضای جامعه هستند که درآمد آنها، توسط اختصاصات رسمی، زیر خط فقر قرار می‌گیرد و از این رو، واجد شرایط کمک‌های مختلف دولتی هستند. با این تعریف می‌توان ذکر کرد که طبقه پایین بنابه شرایط محیطی که در آن واقع می‌گردد، اغلب در محله‌های از شهر سکونت دارد که امنیت مالی و امنیت جانی آن توسط دستگاه‌های دولتی تأمین نمی‌گردد و متعاقب آن امنیت جمعی و فکری آن نیز تأمین نمی‌شود و افراد این طبقه در یک احساس ناامنی همیشگی

به سر می‌برند. در حیطه علوم جرم‌شناسی و جامعه در طول دهه‌های گذشته، احساس ناامنی و قشر طبقه پایین اجتماع نیز مورد توجه بوده است (Will & McGrath, 1995: 17). به طور مشابه پژوهش‌هایی در مورد طبقه پایین اجتماع در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا برجسته شد و یک جستجوی کتابخانه‌ای بیش از ۱۵۰ مرجع را در مورد طبقه پایین جامعه در همین دوره پیدا کرد. مطالعات مختلفی در سال‌های ۱۹۷۰ چنین نتیجه‌گیری می‌کند که احساس ناامنی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی به‌طور معکوس با هم رابطه دارند (Clemente & Kleiman, 1977).

در مقایسه با مطالعات مربوط به سن و جنسیت در مورد فقر به عنوان یکی از ابعاد آسیب‌پذیری مطالعات کمتری وجود دارد. مدارک موجود حاکی از آن است که افراد فقیر بیشتر از دیگر افراد احساس ترس می‌کنند.

بر طبق یکی از پژوهش‌ها، افرادی که از خانوارهایی با محرومیت‌های چندگانه هستند، در مقایسه با افرادی که در خانوارهای مرفه زندگی می‌کنند، ۳ برابر بیشتر احتمال دارد، احساس ناامنی نمایند. این جنبه آسیب‌پذیری چند موضوع مهم را مطرح می‌کند: اول، مردمی که در مناطق محروم و فقیر زندگی می‌کنند، احساس می‌کنند، کمتر قادر خواهند بود از دارایی‌های خود در مقابل تهدید به قربانی شدن، محافظت نمایند، چرا که هزینه و نه انتخاب، اغلب اینکه خانواده آنها وسایل لازم امنیتی را داشته باشد یا نه، به آنها تحمیل و دیکته می‌کند. دوم، جایی که قربانی شدن جنایی مستلزم از دست دادن دارایی است، تأثیر جرم می‌تواند برای افراد بدون بیمه وسایل خانه، بیشتر و قابل توجه‌تر باشد. سوم، افراد فقیر به طور بالقوه بیشتر در معرض وضعیت‌های تهدیدکننده هستند. به علت اتکای بیشتر آنها بر حمل و نقل عمومی که نتیجه عدم وجود وسیله حمل و نقل شخصی یا عدم توانایی مالی در پرداخت هزینه تاکسی است. چهارم، افراد فقیر در مناطقی زندگی می‌کنند که بیشتر دچار جرم و خشونت و بی‌تمدنی است و هر دوی آنها احساس ناامنی را افزایش می‌دهد. سرانجام، افرادی که در فقر به سر می‌برند، فاقد شبکه‌های اجتماعی هستند که دیگران از آن برخوردارند، چون این شبکه‌ها تأثیرات قربانی شدن را اصلاح می‌کند و بهبود می‌بخشد.

هال (۱۹۹۶)^۱ چنین نتیجه می‌گیرد، که نبود منابع اجتماعی و مادی ممکن است بدان معنا باشد که آنها کمتر قادر به مقابله با قربانی‌شدن در سطح فردی هستند و در سطح اجتماعی، فقدان ارتباطات، توانایی سازمانی و شبکه‌های سیاسی موجود در محل‌های با سطح بالا قدرت مقابله را کم می‌سازد (Pantazis, 2000: 416).

اگر چه اتصال بین شبکه‌های اجتماعی و محرومیت اجتماعی اخیراً توسط دموس (۱۹۹۷، ۱۹۹۷)^۲ دنبال شده است. ولی یک تذکر باید با این دیدگاه بیان شود و آن این است که افراد فقیر به علت شبکه‌های اجتماعی کمتر قادر به رویارویی با تأثیرات قربانی‌شدن هستند. مطالعات جامعه‌شناسی طبقات، مؤکد آن است که طبقه کارگر بیشتر متمایل به اتکا و حمایت دوستان نزدیک و خانواده هستند، درحالی که طبقه متوسط بیشتر متمایل به داشتن شبکه‌های اجتماعی گوناگونند. افراد فقیر در مقایسه با دیگران به سادگی دارای شبکه‌های اجتماعی متفاوت هستند، و این حاکی از آن است که آنها در حادثه جرم به شبکه‌های اجتماعی متفاوت متصل می‌شوند (Pantazis, 2000: 417).

این حقیقت که مردم فقیر در مقایسه با ثروتمندان، احتمال دارد به‌طور نامناسب بیشتر گزارش کنند که هرگز پس از تاریکی بیرون نمی‌روند، نباید به حیرت و شگفتی منجر شوند (۴۰ درصد افراد فقیر در مقایسه با آنها ۳ درصد ثروتمندان، هرگز پس از تاریکی بیرون نمی‌روند). در بین افراد فقیر، «بیش از حد بیمار بودن» یا «بیش از حد پیر بودن» یا «عدم تمایل برای بیرون رفتن» یا «نداشتن جایی برای بیرون رفتن» یا «احساس ناامنی» دلایل عمده عنوان شده است. اگر چه «احساس ناامنی» مهم‌ترین عاملی نیست که از بیرون رفتن پس از تاریکی جلوگیری می‌کند. به علاوه، اغلب بقیه افراد گزارش کرده‌اند که به علت «احساس ناامنی» هرگز پس از تاریکی بیرون نمی‌روند. اما هنگامی که پاسخ کمتر و خاص «ترس از بیرون رفتن به تنهایی» را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که از افراد فقیر زیادی ادعا کرده‌اند که این عامل مانع از بیرون رفتن آنها می‌شود. این یافته‌ها ظاهراً حمایت توأم با تردیدی برای این نظر ارائه می‌دهند، که دیدگاه کلی از «ترس» می‌تواند در محدود کردن

1- Hale, 1996

2- Demos

میزان افراد فقیری که پس از تاریکی بیرون می‌روند و نیز در محدود کردن میزان افرادی که آنها قادر خواهند بود در فعالیت‌هایی که دیگران از آن برخوردارند شرکت داشته باشند نقش دارد. اما، این «ترس» الزاماً به جرم و جنایت مربوط نیست. فقیرترین افراد جامعه از ناامنی‌های مربوط به جرم بیشترین رنج را می‌برند و احتمال تجربه وقایع جنایی نظیر بیکاری، دیوان مالی و بیماری نیز بیشتر است. از این رو، «ترس از جرم و نگرانی در مورد گستره وقایع غیرجنایی» می‌تواند به عنوان بخشی از زنجیره طولیل ناامنی‌هایی باشد که در واقع توسط افراد فقیر بیشتر تجربه می‌شود (Pantazis, 2000: 432).

«وضعیت اجتماعی - اقتصادی» اغلب به وسیله تحصیلات یا درآمد نمایندگان گروه مورد نظر نیز ارزیابی می‌شود. در هر دو مورد شواهدی که وضعیت اجتماعی - اقتصادی را به احساس ناامنی ارتباط می‌دهد، ترکیب شده‌اند. مطابق برخی از تحقیقات که به تکرار این رابطه موفق نشدند. همین رابطه هنگامی که طبقه اجتماعی - اقتصادی به عنوان سطح تحصیلات ارزیابی می‌شود، صحیح است. اگر چه برخی از متخصصان ربط دادن این متغیر را برای احساس ناامنی پیش‌بینی‌کننده یافتند و کسانی نیز هیچ رابطه بارزی نیافتند. علاوه بر مفهوم آسیب‌پذیری به عنوان یک توضیح، برخی از متخصصان ربط دادن رابطه بین طبقه اجتماعی و احساس ناامنی را به ازدحام مکانی اقلیت‌های قومی، فقرا و افراد کم‌سواد نادرست می‌دانستند و توجهات را به سمت مشخصه‌های محل زندگی همچون میزان بالای جرم سوق دادند (Gert, Nod: 5).

براساس پیشینه تحقیق، نظریه‌ها و چارچوب نظری پژوهش بویژه دیدگاه آسیب‌پذیری، اعتقاد بر این است که عوامل و ویژگی‌های فردی مانند: جنس، سن، طبقه اجتماعی، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، منطقه محل سکونت و نحوه زندگی تعیین‌کننده میزان احساس امنیت افراد است که بر این اساس فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است استخراج می‌گردد:

- به نظر می‌رسد میانگین احساس امنیت زنان کمتر از مردان باشد.

- به نظر می‌رسد میانگین احساس امنیت سالمندان کمتر از بقیه گروه‌های سنی باشد.

- به نظر می‌رسد میانگین احساس امنیت طبقه پایین اجتماع کمتر از بقیه گروه‌های طبقاتی جامعه باشد.
- متوسط احساس امنیت بر حسب منطقه محل سکونت متفاوت است.
- متوسط احساس امنیت بر حسب تحصیلات متفاوت است.
- متوسط احساس امنیت بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است.
- به نظر می‌رسد افرادی که با خانواده زندگی می‌کنند، نسبت به کسانی داشته باشند که به تنهایی زندگی می‌کنند بیشتر احساس امنیت می‌کنند.

روش تحقیق و مراحل آن

روش تحقیق، به روش پیمایشی^۱ و ماهیت آن کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه ساکنان شهر اصفهان است که براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۷۸۸۵۶۷ نفرند.

روش نمونه‌گیری به صورت روش نمونه‌گیر خوشه‌ای بوده و از هر خوشه چند بلوک به طور تصادفی انتخاب شده که با توجه به منطقه و ترکیب جنسی و سنی به طور متناسب در داخل آنها توزیع گردیده است. حجم نمونه آن تقریباً ۳۸۴ نفر است و روش محاسبه بر اساس فرمول زیر صورت گرفته است.

$$n = \frac{t^2 \cdot pq}{d^2} \Leftrightarrow n = \frac{1.96^2 \times .5 \times .5}{.05^2} = 384$$

$$1 + \frac{1}{N} \cdot \left(\frac{t^2 \cdot pq}{d^2} - 1 \right) \Leftrightarrow 1 + \frac{1}{1788567} \times \left(\frac{1.96^2 \times .5 \times .5}{.05^2} - 1 \right)$$

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است که پس از تعیین شاخص‌های لازم برای متغیرهای پژوهش گویه‌هایی طراحی شد و در قالب پرسشنامه‌ای که اعتبار^۲ صوری، پایایی^۳ آن تأیید

1- Survey Method
2- Validity
3- Reliability

شد، در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گردید.

جدول (۱) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌ها در پرسشنامه

پرسشنامه	متغیرها		
	تعداد گویه	ضریب روایی	
۰/۷۳۴۲	۶	خالی گذاشتن منزل، استفاده نکردن از اقدامات امنیتی، پارک اتومبیل در خیابان، سپردن سرمایه به دیگران، به همراه داشتن کیف پول و...، خرید مسکن و ... از طریق آگهی روزنامه	مالی
۰/۷۲۸۲	۸	فرستادن فرزند به مدرسه در مسیر طولانی، تردد با مسافرکش شخصی در شب، قدم زدن در مسیر خلوت، تردد در ساعات پایانی شب، ترس از مورد آزار و اذیت، تجاوز به عنف، دوستی با افراد غریبه، پذیرفتن خوراکی از افراد ناشناس	احساس امنیت
۰/۷۰۵۰	۵	شرکت در مجالس عروسی که فیلم برداری می‌شود، شرکت در تجمعات شلوغ، رفتن به پارکها در سطح شهر، امنیت خاطر از تردد جاده‌ها، وجود بهداشت عمومی در سطح شهر	جمعی
۰/۷۳۳۲	۶	نداشتن نگرانی فکری، داشتن آسودگی خاطر، اعتماد و اطمینان به آینده، داشتن آرامش روحی روانی در خانه، آرامش خاطر در محل کار و...، داشتن آرامش روحی و فکری نسبت به مسائل روزمره	فکری

تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف- بخش توصیفی

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب جنسیت، از کل نمونه (۴۶/۹) درصد را مردان و (۵۳/۱) درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب گروه سنی^۱ از کل نمونه، گروه جوانان با (۴۱/۱) درصد، گروه میانسال با (۲۹/۷) درصد و سالخوردگان با (۲۹/۲) درصد را تشکیل می‌دهند.

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی^۲ از کل نمونه پاسخ‌گویان (۴۴/۸) درصد را افراد متشکل احساس طبقه پایین، (۳۰/۲) درصد افراد طبقه متوسط و (۲۵/۰) درصد را افراد طبقه بالا تشکیل می‌دهند (قابل توضیح است که برای ساختن این متغیر از ترکیب چندگویه، یعنی نوع مسکن، مالکیت اتومبیل و قیمت آن، میزان هزینه ماهیانه خانواده، منطقه محل سکونت و نوع شغل سرپرست خانوار استفاده گردید).

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب محل سکونت^۳ از کل نمونه، (۳۱/۳) درصد را افراد ساکن در منطقه بالای شهر (منطقه ۵)، (۳۹/۳) درصد افراد ساکن در منطقه متوسط شهر (منطقه ۱۰) و (۲۹/۴) درصد افراد ساکن در منطقه پایین شهر (منطقه ۱۴) تشکیل می‌دهند.

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سطح تحصیلات از کل نمونه، (۲/۱) درصد را گروه بی‌سوادان، (۲۵/۰) درصد را گروه تحصیلی ابتدایی تا دیپلم (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان ناتمام)، (۳۷/۲) درصد را گروه تحصیلی دیپلم، (۳۵/۷) درصد را گروه تحصیلی دانشگاه رفته تشکیل می‌دهند.

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب وضعیت تأهل از کل نمونه (۴۷/۹) درصد را افراد مجرد، (۴۸/۲) درصد افراد متأهل و (۳/۹) درصد را افراد بی‌همسر (طلاق یا فوت همسر) تشکیل می‌دهند.

۱- برای گره‌بندی سنی در سه گروه جوان، میانسال و سالمند، از بازه سنی ۱۵-۳۰ سال برای دسته‌بندی جوانان، ۳۱-۶۰ سال برای میانسالان و ۶۱ سال به بالا گروه سالخوردگان مورد استفاده واقع گردید.
 ۲- از مجموع نمرات به دست آمده از گویه‌های طراحی شده برای سنجش پایگاه اجتماعی-اقتصادی، با به دست آمدن نمره میانگین این متغیر، آن را در سه گروه (بالا، متوسط و پایین) با توجه به نمره کسب شده، دسته‌بندی نمودیم.
 ۳- در تحقیق حاضر، ابتدا نقشه شهر را بر تقسیم‌بندی شهر به دست آورده سپس مناطق ۱۴گانه را برحسب اطلاعات امور فرهنگی-اجتماعی شهرداری با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، خدمات شهری، امکانات رفاهی به ۳ منطقه مرفه‌نشین، متوسط‌نشین و فقیرنشین انتخاب کردیم، سپس از درون هر منطقه، خیابان‌هایی به روش تصادفی انتخاب شده و در مرحله بعد، از هر منطقه، محله‌هایی به صورت تصادفی انتخاب و در مرحله آخر پاسخ‌گویی به صورت تصادفی انتخاب شدند.

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب نحوه زندگی از کل نمونه (۹۴/۰) درصد پاسخگویان کسانی هستند که با خانواده خود زندگی می‌کنند و (۶/۰) درصد را افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند، تشکیل می‌دهند.

ب- بخش استنباطی

فرضیه: ۱- جنسیت و احساس امنیت

جدول (۲) نتایج آزمون (T-test) تفاوت میانگین احساس امنیت و ابعاد آن بر حسب جنس

احساس امنیت	احساس امنیت مالی	احساس امنیت جانی	احساس امنیت جمعی	احساس امنیت فکری	
مقدار t	-۲/۱۴	-۳/۳۶	-۰/۲۷	۰/۱۴	-۲/۳۹
سطح معنی‌داری	۰/۰۳۳	۰/۰۰۱	۰/۷۸۵	۰/۸۸۳	۰/۰۱۷

جدول (۳) توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان احساس امنیت و ابعاد آن بر حسب جنس

احساس امنیت فکری		احساس امنیت جمعی		احساس امنیت جانی		احساس امنیت مالی		احساس امنیت	
مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
۲/۸۱	۲/۸۵	۲/۵۲	۲/۴۳	۲/۴۰	۳/۲۸	۳/۳۰	۳/۴۵	۳/۲۴	۲/۹۵

برای آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت برحسب جنسیت از آزمون دو نمونه‌ای مستقل استفاده گردید (جدول ۲ و ۳)، نتایج به دست آمده از این آزمون (مقدار $t = -2/14$ و سطح معنی‌داری $= 0/033$)، (زنان با میانگین $= 2/95$ و مردان با میانگین $= 2/81$) بیانگر وجود تفاوت معنادار بین میانگین احساس امنیت زنان و مردان و نیز وجود احساس امنیت بیشتر از در زنان است تا مردان. همچنین نتایج به دست آمده از آزمون ابعاد احساس امنیت بیانگر تفاوت و نیز میانگین بیشتر از سوی زنان در دو حوزه مالی و فکری است. لذا باتوجه به دیدگاه آسیب‌پذیری انتظار می‌رفت این احساس امنیت در بین زنان کمتر از مردان باشد، اما در نمونه مورد بررسی ما شاهد عکس این قضیه شدیم، یعنی زنان جامعه آماری مورد بررسی، احساس امنیت بیشتری دارند تا مردان، پس می‌توان نتیجه گرفت که در شهر اصفهان دیدگاه آسیب‌پذیری بیشتر در مورد مردان صدق می‌کند تا زنان.

فرضیه ۲- سن و احساس امنیت

جدول (۴) نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه سن و متوسط احساس امنیت و ابعاد آن

احساس امنیت	احساس امنیت مالی	احساس امنیت جانی	احساس امنیت جمعی	احساس امنیت فکری	
۳۲/۸۰	۵/۸۸	۱۰/۵۹	۳۹/۱۵	۱۷/۱۱	مقدار F
۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری

جدول (۵) توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان احساس امنیت و ابعاد آن بر حسب سن

گروه سنی جوان	گروه سنی میانسال	گروه سنی سالخورده	
۳/۰۳	۲/۷۱	۲/۲۴	احساس امنیت
۲/۸۱	۲/۵۳	۲/۳۰	احساس امنیت مالی
۲/۵۴	۲/۲۹	۱/۸۶	احساس امنیت جانی
۳/۵۲	۳/۰۶	۲/۲۱	احساس امنیت جمعی
۳/۵۱	۳/۱۷	۲/۷۰	احساس امنیت فکری

برای آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت بر حسب گروه‌های سنی، از آزمون تحلیل واریانس (جدول شماره ۴ و ۵)، استفاده گردید. با توجه به $F=۳۲/۸۰$ و سطح معنی‌داری $=۰/۰۰۰$ ، می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی احساس امنیت بر حسب گروه‌های سنی متفاوت است. که در این بین، بیشترین نمره میانگین از آن گروه سنی جوانان و کمترین نمره، از آن گروه سنی، سالخورده‌گان است. همچنین نتایج به دست آمده از این آزمون برای ابعاد احساس امنیت بیانگر تفاوت نمره میانگین چهار بعد (مالی، جانی، جمعی و فکری) با بیشترین نمره میانگین از سوی جوانان و کمترین نمره میانگین از سوی سالخورده‌گان است. با توجه به دیدگاه آسیب‌پذیری این فرضیه نیز در جهت مثبت آن، به‌خصوص اینکه احساس امنیت در بین گروه‌های سالخورده نسبت به دیگر گروه‌های سنی کمتر است، تأیید می‌گردد.

فرضیه ۳- طبقه اجتماعی- اقتصادی و احساس امنیت

جدول (۶) نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه طبقه اجتماعی- اقتصادی و متوسط احساس امنیت و ابعاد آن

احساس امنیت	احساس امنیت مالی	احساس امنیت جانی	احساس امنیت جمعی	احساس امنیت فکری	
۲۴/۴۴	۷۱/۸۶	۵/۹۳	۱/۹۵	۱۰/۱۹	مقدار F
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۱۴۳	۰/۰۰۰	سطح معنی داری

جدول (۷) توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان احساس امنیت و ابعاد آن بر حسب طبقه اجتماعی- اقتصادی

طبقه بالا	طبقه متوسط	طبقه پایین	
۳/۲۴	۲/۸۰	۲/۷۴	احساس امنیت
۳/۵۳	۲/۶۰	۲/۲۸	احساس امنیت مالی
۲/۶۶	۲/۲۷	۲/۳۸	احساس امنیت جانی
۳/۳۲	۳/۱۵	۳/۳۷	احساس امنیت جمعی
۳/۶۴	۳/۴۰	۳/۱۷	احساس امنیت فکری

برای آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت بر حسب طبقات اجتماعی- اقتصادی، از آزمون تحلیل واریانس (جدول شماره ۶ و ۷)، استفاده گردید. با توجه به مقدار $F=24/44$ و سطح معنی داری $=0/000$ ، می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی احساس امنیت بر حسب طبقات مختلف متفاوت است. که در این بین بیشترین نمره میانگین را طبقه بالا و کمترین نمره را، طبقه پایین داده شده است. همچنین نتایج به دست آمده از این آزمون برای ابعاد احساس امنیت بیانگر تفاوت در سه بعد: مالی (بیشترین نمره، طبقه بالا و کمترین نمره، طبقه پایین)؛ جانی (بیشترین نمره، طبقه بالا و کمترین نمره، طبقه متوسط)؛ و فکری (بیشترین نمره، طبقه بالا و کمترین نمره، طبقه پایین) است. با توجه به دیدگاه آسیب‌پذیری این فرضیه نیز در جهت مثبت آن، به خصوص اینکه احساس امنیت در بین طبقات متوسط و پایین نسبت به طبقه بالا کمتر، تأیید می‌گردد.

فرضیه ۴- منطقه محل سکونت و احساس امنیت

جدول (۸) نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه منطقه محل سکونت و متوسط احساس امنیت و ابعاد آن

احساس امنیت	احساس امنیت مالی	احساس امنیت جانی	احساس امنیت جمعی	احساس امنیت فکری	
۵۳/۸۵	۱۷۰/۴۱	۱۳/۱۸	۲/۵۰	۱۳/۸۴	مقدار F
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۸۳	۰/۰۰۰	سطح معنی داری

جدول (۹) توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان احساس امنیت و ابعاد آن بر حسب محل سکونت

منطقه بالای شهر	منطقه متوسط شهر	منطقه پایین شهر	
۳/۳۱	۲/۷۸	۲/۶۰	احساس امنیت
۳/۶۷	۲/۵۵	۱/۹۵	احساس امنیت مالی
۲/۷۳	۲/۳۶	۲/۱۹	احساس امنیت جانی
۳/۳۸	۳/۱۶	۳/۳۷	احساس امنیت جمعی
۳/۷۰	۳/۲۷	۳/۱۴	احساس امنیت فکری

برای آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت بر حسب منطقه محل سکونت (جدول شماره ۸ و ۹)، استفاده گردید. با توجه به (مقدار $F=53/85$ و سطح معنی داری $=0/000$)، می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی احساس امنیت بر حسب مناطق مختلف (منطقه ۵، ۱۰ و ۱۴) متفاوت می‌باشد که در این بین، بیشترین نمره میانگین احساس امنیت را منطقه بالا (منطقه ۵) و کمترین نمره را منطقه پایین (۱۴) داراست. همچنین نتایج به دست آمده از این آزمون برای ابعاد احساس امنیت بیانگر تفاوت نمره میانگین در سه بعد: مالی (بیشترین نمره، منطقه بالا و کمترین نمره، منطقه پایین)؛ جانی (منطقه بالا، بیشترین نمره و منطقه پایین، کمترین نمره)؛ و فکری (منطقه بالا، بیشترین نمره و منطقه پایین، کمترین نمره) است. با توجه به دیدگاه آسیب‌پذیری این فرضیه نیز در جهت مثبت آن، به خصوص اینکه احساس امنیت در بین مناطق متوسط و پایین نسبت به منطقه بالا کمتر است، تأیید می‌گردد.

فرضیه ۵- تحصيلات و احساس امنیت

جدول (۱۰) نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه تحصيلات و متوسط احساس امنیت و ابعاد آن

احساس امنیت	احساس امنیت مالی	احساس امنیت جانی	احساس امنیت جمعی	احساس امنیت فکری	
مقدار F	۱۰/۹۰	۴۴/۹۲	۶/۲۷	۷/۳۸	۹/۰۹
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۴	۰/۰۳۲	۰/۰۰۵

جدول (۱۱) توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان احساس امنیت و ابعاد آن بر حسب تحصيلات

دانشگاهی	بیسواد	ابتدایی تا دیپلم	دیپلم	دانشگاهی
احساس امنیت	۲/۴۲	۲/۶۴	۲/۹۲	۳/۰۴
احساس امنیت مالی	۲/۳۷	۲/۱۸	۲/۷۰	۳/۰۶
احساس امنیت جانی	۱/۹۵	۲/۲۵	۲/۴۵	۲/۵۲
احساس امنیت جمعی	۲/۷۵	۳/۱۷	۳/۴۴	۳/۲۴
احساس امنیت فکری	۲/۸۱	۳/۱۸	۳/۳۴	۳/۵۲

برای آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت بر حسب سطح تحصيلات، از آزمون تحلیل واریانس (جدول شماره ۱۰ و ۱۱)، استفاده گردید. با توجه به (مقدار $F=10/90$ و سطح معنی‌داری $=0/000$)، می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی احساس امنیت بر حسب سطح تحصيلات متفاوت است. که در این بین بیشترین نمره میانگین احساس امنیت را، گروه تحصيلی دانشگاهی و کمترین نمره، گروه بیسوادان دارا هستند. هم‌چنین نتایج به دست آمده از این آزمون برای میانگین نمره ابعاد احساس امنیت بیانگر تفاوت در چهار بعد آن: مالی (بیشترین نمره میانگین، گروه تحصيلی دانشگاهی و کمترین نمره، گروه تحصيلی ابتدایی تا دیپلم)؛ جانی (بیشترین نمره میانگین، گروه تحصيلی دانشگاهی و کمترین نمره، گروه بیسوادان)؛ جمعی (بیشترین نمره میانگین، گروه تحصيلی دیپلم‌ها و کمترین نمره، گروه بیسوادان)؛ و فکری (بیشترین نمره میانگین، گروه تحصيلی دانشگاهی و کمترین نمره، گروه بیسوادان) است که با توجه به دیدگاه آسیب‌پذیری این فرضیه نیز در جهت مثبت آن تأیید می‌گردد؛ به عبارتی دیگر با افزایش سواد که یکی از

فاکتورهای تعیین‌کننده پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد است، احساس امنیت فرد نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

فرضیه ۶- وضعیت تأهل و احساس امنیت

جدول (۱۲) نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه وضعیت تأهل و متوسط احساس امنیت و ابعاد آن

احساس امنیت	احساس امنیت	احساس امنیت	احساس	احساس	
مقدار F	جمعی	جانی	امنیت مالی	امنیت	
۳۱/۷۸	۲۵/۱۲	۱۶/۹۰	۱۰/۹۳	۹/۵۵	سطح معنی داری
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	

جدول (۱۳) توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان احساس امنیت و ابعاد آن بر حسب وضعیت تأهل

سایر	متأهل	مجرد	
۲/۶۳	۲/۶۶	۳/۱۳	احساس امنیت
۲/۲۷	۲/۴۹	۲/۹۳	احساس امنیت مالی
۲/۵۸	۲/۱۶	۲/۶۵	احساس امنیت جانی
۲/۸۶	۳/۰۰	۲/۶۱	احساس امنیت جمعی
۲/۹۷	۳/۲۰	۳/۵۴	احساس امنیت فکری

برای آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت بر حسب وضعیت تأهل از آزمون تحلیل واریانس (جدول شماره ۱۲ و ۱۳)، استفاده گردید. با توجه به مقدار $F=31/78$ و سطح معنی‌داری $=0/000$ ، می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی احساس امنیت، بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است که در این بین مجردها بیشترین نمره میانگین احساس امنیت، و سایرین کمترین نمره، را دارا شده‌اند. همچنین نتایج به دست آمده از این آزمون برای میانگین نمره ابعاد احساس امنیت بیانگر تفاوت در چهار بعد آن، مالی (مجردها بیشترین نمره و سایر، کمترین نمره)؛ جانی (مجردها، بیشترین نمره و متأهل‌ها، کمترین نمره)؛ جمعی (مجردها بیشترین نمره، و سایر، کمترین نمره) و فکری (مجردها بیشترین

نمره و سایر، کمترین نمره) است که با توجه به دیدگاه آسیب‌پذیری این فرضیه نیز در جهت مثبت آن، به‌خصوص اینکه احساس امنیت در بین سایر (مطلقه‌ها و بیوه‌ها) کمتر از دیگر گروه‌ها است، تأیید می‌گردد.

فرضیه ۷- نحوه زندگی و احساس امنیت

جدول (۱۴) نتایج آزمون (T-test) تفاوت میانگین احساس امنیت و ابعاد آن بر حسب نحوه زندگی

احساس امنیت	احساس امنیت	احساس امنیت	احساس امنیت	احساس امنیت	
مقدار t	مقدار t	مقدار t	مقدار t	مقدار t	سطح معنی داری
-۰/۵۷	-۰/۴۵	-۰/۱۵	-۰/۴۵	-۰/۴۱	
۰/۵۶۹	۰/۶۵۰	۰/۸۸۰	۰/۶۴۷	۰/۱۵۸	

جدول (۱۵) توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان احساس امنیت و ابعاد آن بر حسب نحوه زندگی

احساس امنیت		احساس امنیت		احساس امنیت		احساس امنیت		احساس امنیت	
فکری		جانی		مالی		جمعیت		فکری	
با خانواده	به تنهایی	با خانواده	به تنهایی	با خانواده	به تنهایی	با خانواده	به تنهایی	با خانواده	به تنهایی
۲/۸۸	۲/۹۵	۲/۶۹	۲/۷۸	۲/۴۱	۲/۴۴	۳/۲۹	۳/۲۰	۳/۳۴	۳/۶۰

برای آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت بر حسب نحوه زندگی از آزمون دو نمونه‌ای مستقل استفاده گردید (جدول ۱۴ و ۱۵)، نتایج به دست آمده از این آزمون (مقدار $t = -0.57$ و سطح معنی‌داری $= 0.569$)، (با خانواده با میانگین $= 2.88$ و به تنهایی با میانگین $= 2.95$) بیانگر عدم وجود تفاوت معنادار میانگین احساس امنیت، بین کسانی است که با خانواده و یا به تنهایی زندگی می‌کنند. همچنین نتایج به دست آمده از آزمون ابعاد احساس امنیت بیانگر عدم تفاوت در دیگر ابعاد احساس امنیت است. که با توجه به دیدگاه آسیب‌پذیری انتظار می‌رفت این احساس امنیت در بین کسانی که به تنهایی زندگی می‌کنند کمتر از کسانی باشد که با خانواده زندگی می‌کنند. شاید بتوان مهم‌ترین دلیل آن را نمونه آماری مورد بررسی دانست یعنی افرادی که مانند: سالمندان، بیوه‌ها، مطلقه‌ها و نظایر اینها آسیب‌پذیر

نیستند، بلکه افراد جوان، اکثراً مرد و مجردند و دوست دارند که مستقل از خانواده باشند و به تنهایی زندگی کنند که با توجه به دیدگاه آسیب‌پذیری این گونه افراد احساس ناامنی کمتری نسبت به دیگران دارند و به همین دلیل با گروه مقابل‌شان یعنی افرادی که با خانواده زندگی می‌کنند، چندان تفاوتی ندارند.

نتیجه‌گیری

دیدگاه آسیب‌پذیری که در این پژوهش به عنوان مبنای اصلی پژوهش حاضر مورد توجه است، از جمله دیدگاه‌هایی است که مبنای سودمندی برای کاوش و بررسی تجربه‌های احساس ناامنی بین گروه‌های اجتماعی همچون افراد فقیر، زنان و افراد سالمند فراهم می‌آورد. با توجه به این دیدگاه و تحقیقات ذکر شده در این مقاله (گرت، علیخواه و ربیعی، آدمیرکو، کیلیاس و کلسی، مک کرا و دیگران، استانکو، فرارو، وار، پانتازیس، کین، برانگارت)، این انتظار می‌رود که زنان نسبت به مردان احساس امنیت کمتری داشته باشند؛ اما در پژوهش حاضر و نمونه مورد بررسی شاهد عکس این قضیه بودیم (احساس امنیت بیشتر از سوی زنان). شاید دلیل عکس شدن این نتیجه، به این نکته برمی‌گردد که در حقیقت، در زنان احتمال بیرون آمدن از خانه در نیمه‌شب و پیاده‌روی در خیابان‌ها، درگیری و... کمتر است، و این احساس را ممکن است چندان ملموس تجربه نکرده باشند. در نمونه مورد بررسی نیز، پاسخگویان با توجه به تجربه واقعی خود و نه تصور از آن، به سوالات پاسخ‌گو بوده و احساس واقعی خود را از امنیت ابراز کرده‌اند.

با توجه به دیدگاه آسیب‌پذیری و تحقیقات انجام گرفته درباره بین سن و احساس امنیت (گرت، علیخواه و ربیعی، کیلیاس، کیلیاس و کلسی، رناتو و میسلی، ویل و مک گراد، فرارو، وار، هال، پژوهش‌های BCS، پانتازیس و گوردن، جوزف، گوتفردسون، هیندلانگ، فلدمن، یاف، ناهمو، فاوتن، و گارافالو)، نتایج پژوهش نیز با پیشینه تحقیق و چارچوب نظری گردآوری شده منطبق است.

با توجه به دیدگاه آسیب‌پذیری و تحقیقات پیشین در خصوص ارتباط منطقه محل سکونت و احساس امنیت (گرت، مک کرا و دیگران، علیخواه و ربیعی، ویل و مک گراد، رناتو

و میسلی، کیلیلیاس، کیلیلیاس و کلرسی، ساروخانی و نویدنیا، پانتازیس)، نتایج پژوهش بیانگر تفاوت معنادار میانگین احساس امنیت بر حسب منطقه محل سکونت، و احساس امنیت کمتر در بین ساکنان منطقه محروم (منطقه ۱۴ اصفهان) است.

با توجه به دیدگاه آسیب‌پذیری و تحقیقات ذکر شده در این پژوهش (گرت، مک کرا و دیگران، علیخواه و ربیعی، ویل و مک گراد، رناتو و میسلی، کین، پانتازیس، پانتازیس و گوردن، ساروخانی و نویدنیا، کلمنت و کلیمن، هال، دموس)، انتظار می‌رود که احساس امنیت بر حسب طبقات مختلف اجتماعی-اقتصادی، متفاوت بوده و طبقات پایین‌تر جامعه احساس امنیت کمتری نسبت به دیگر طبقات، بویژه طبقه بالا داشته باشند. که نتایج پژوهش بیانگر تفاوت معنادار میانگین احساس امنیت بر حسب طبقات مختلف اجتماعی-اقتصادی، و احساس امنیت کمتر در بین ساکنان طبقه پایین است.

با توجه به دیدگاه آسیب‌پذیری و دیدگاه‌های مربوط (گرت، آدومیرکو)، چون سطح تحصیلات به عنوان نماینده طبقه اجتماعی به کار می‌رود، لذا تفاوت معنادار میانگین احساس امنیت بر حسب سطح تحصیلات بیانگر تأیید مثبت دیدگاه آسیب‌پذیری در خصوص افزایش سواد است که یکی از فاکتورهای تعیین‌کننده پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد است.

با توجه به دیدگاه آسیب‌پذیری و تحقیقات ذکر شده در این پژوهش (گرت، مک کرا و دیگران، کیلیلیاس و مکریکی)، احساس امنیت بر حسب دیگر متغیرهایی که تصور می‌شود مشخص‌کننده آسیب‌پذیری اجتماعی باشد همانند «متأهلی»، «تنها و یا با دیگران زندگی کردن»، متفاوت است. نتایج تحقیق بیانگر آسیب‌پذیری مردان و زنانی است که پس از طلاق و یا فوت همسر نسبت به دیگر گروه‌ها احساس امنیت کمتری دارند. و عدم وجود تفاوت معنادار میانگین احساس امنیت بر حسب نحوه زندگی یعنی زندگی با خانواده و یا به تنهایی، بیانگر عدم تأیید دیدگاه آسیب‌پذیری است. این نتیجه به این مسأله باز می‌گردد که ویژگی‌های افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند در نمونه آماری مورد نظر (شهر اصفهان) به لحاظ خاستگاه اجتماعی با افرادی که در دیدگاه آسیب‌پذیری به آنها اشاره گردید، متفاوت

است و به همین دلیل نمره میانگین احساس امنیت آنها چندان به لحاظ آماری با گروه مقابل متفاوت به دست نیامد.

نتایج تحقیق حاضر مبین این واقعیت است که گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه نیازمند توجه بیشتری از سوی مسئولان و نهادهایی هستند که متولی ایجاد امنیت و احساس امنیت در جامعه‌اند و اگر بخواهیم ترس واقعی و غیرواقعی این‌گونه افراد را در اجتماعی که زندگی می‌کنیم کاهش دهیم باید به نیازهای اساسی این‌گونه افراد بیشتر توجه کنیم. البته این وظیفه خاص دولت و نهادهای دولتی نبوده و می‌تواند از خانواده‌ها گرفته (توجه بیشتر به زنان، سالمندان) تا گروه‌های مردم نهاد (توجه به اقشار فقیر، و زنان مردان بی‌سرپرست) باشد. با عطف توجه به پیامدهای وجود امنیت و احياناً ناامنی اجتماعی متوجه ارتباط مفهوم امنیت و احساس امنیت با مفهوم نظم می‌شویم. وجود امنیت اجتماعی و احساس امنیت در جامعه به تربیت شخصیت‌های سالم اجتماعی منجر می‌شود. شخصیت‌هایی که در آن روح جمع‌گرایی تقویت شده است. روح جمع‌گرایی در افراد جامعه باعث می‌شود با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در چنین حالتی مشارکت در جامعه افزایش خواهد یافت و مردم حضوری مؤثر در اجتماع پیدا خواهند کرد. با حضور گسترده مردم در اجتماع حاکمیت سیاسی مشروعیت خواهد یافت و مردم به گونه‌ای روشن و شفاف با نظم حاکم ارتباط خواهند داشت. در صورت وجود امنیت و احساس امنیت، همبستگی ملی بین افراد جامعه تقویت خواهد شد و نظم و ثبات سیاسی و اجتماعی سراسر جامعه را پوشش خواهد داد. امنیت و احساس امنیت بر پاسداری از احساس تعلق یا همان احساس ما بودن اشاره دارد، چرا که حراست و نگهداری از احساس ما بودن در حفظ و تقویت روابط اجتماعی میان افراد نقش برجسته‌ای دارد. نظم عمومی حاکم بر جامعه شبکه محلی هنجارهای رسمی و غیررسمی یک جامعه است که وجود آن، مفاهیمی همچون ثبات، تعامل یا امنیت را تداعی می‌کند (ره‌پیک، ۱۳۷۷: ۲۷).

حمایت و گسترش سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه باعث می‌شود که افراد با مشارکت در این گونه برنامه‌ها از شهر، همسایه و هم‌محله‌ای خود شناخت و اعتماد بهتری کسب کنند و در تقویت احساس امنیت آنها یارشان باشند. برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران جامعه

می‌بایست با حمایت‌های مالی و قانونی خود به این سازمان‌ها بیشتر توجه کنند تا این سازمان‌ها بتوانند افراد جامعه را با داشتن احساس امنیت به مشارکت در اجتماع که به تبع آن توسعه کشور را به دنبال دارد، یاری رسانند.



منابع

- بیات، بهرام (۱۳۸۷) تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- ربانی، رسول (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی شهری، تهران، انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان، چاپ دوم.
- ره‌پیک، حسن (۱۳۷۷) امنیت ملی و تحدید حقوقی آن، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان.
- ساروخانی، باقر و منیژه نویدنیا (۱۳۸۵) امنیت اجتماعی، خانواده و محل سکونت: تهران، فصلنامه علمی پژوهشی - رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲.
- علیخواه، فردین و مریم نجیبی ربیعی (۱۳۸۵) زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- مرکز افکارسنجی دانش‌جویان ایران (۱۳۸۲) بررسی میزان احساس امنیت شهروندان، به سفارش معاونت اجتماعی ناجا.
- Adu-Mireku, Samuel (2002), *Fear of Crime among Residents of Three Communities in Accra, Ghana*, International Journal of Comparative Sociology, IJCS 43(2): 153-168.
- Braungart .M.M., Richard G., Braungart & Hoyer, W.J. (1980), *Age, Sex and Social Factors in Fear of Crimes*, Sociological Focus, 13.
- Clemente, E, and Kleiman, M. (1977), *Fear of Crime in the United States: A Multivariate Analysis*, Social Forces 56: 519-31.
- Ferraro, K.F., & La Grange, R.L. (1987), *The Measurement of Fear of crime*, Sociological Inquiry, 57(1), 70-101.
- Ferraro, K. (1996), *Woman Fear of Victimization: Shadow of Sexual Assault?* Social Forces, 75.
- Gabriel, U., & Greve, W. (2003), *The Psychology of Fear of Crime: Conceptual and Methodological Perspectives*, British Journal of Criminology, 43(3), 600-614.
- Gert, Van Beek.(nod), *Feeling (un)safe and (in) Secure in the Risk Society*, A Vailable from:[http:// stuies/ac084_en.pdf](http://stuies/ac084_en.pdf).

- Hale, C. (1996), *Fear of Crime: A Review of the Literature*, International Review of Victimology, 4, 79-150.
- Hawang E.G. (2006), *A Multilevel Tset of Fear of Crime: The Effect of Social Condition, Perceived Community Policing Activities and Perceived Risk of Victimization in a Mega Polis*, Michigan State University.
- Joseph, Janice (1997), *Fear of Crime Among Black Elderly*, Journal of Black Studies, Vol.27, No.5. (May, 1997), Pp. 698-717.
- Killias, Martin & Clerici, Christian. (2000), *Different Measures of Vulnerability in Their Relation to Different Dimensions of Fear of Crime*, The British Journal of Criminology: Summer 2000; 40, 3; Proquest Social Science Journals, Pp. 437-450.
- McCrea, Rod. Shyy, Tung-kai, John, Western and Robert J. Stimson (2005), *Fear of Crime in Brisbane: Social and Neighbourhood Factors in Perspective*, Journal of Sociology, 2005 The Australian Sociology Association, Volume, 41(1):7-27.
- Pantazis, Christina (2000), *Fear of Crime, Vuunerability and Poverty: Evidence from the British Crime Survey*, The British Journal of Criminology; Summer 2000; 40, 3, Proquest Social Science Journals.
- Pantazis, C. & Gorden, D. (1997), *Poverty and Crime*, Breadline. Britain. in the 1990s. Aldershot, Avebury.
- Renato Miceli, Michele Roccato, Rosalba Rosato. (2004), *Fear of Crime in Italy spread & Determinations, Environment and Behavior*, Vol. 36 No.6, November 2004 776-789.
- Stanko, Elizabet (1992), *The Case of Fearful Woman: Gender, Personal Safety and Fear of Crime*, Woman and Criminal Justice, 4.
- Warr, Mark (1984), *Fear of Victimization: Why Are Women and Elderly More Affaid?* Social Science Quarterly, 65.
- Will, Jeffry A. & John H. McGrath. (1995), *Crime, Neighborhood Perceptions, and The Underclass: The Relationship Between Fear of Crime and Class Position*, Journal of Criminal Justice, Vol.23, No.2, pp. 163-179, 1995.